



پایان نامه کارشناسی ارشد در ادبیات فارسی

عنوان:

مقایسه مفهوم تساهل و تسامح در دیوان حافظ و مثنوی معنوی مولانا

استاد راهنما:

دکتر احمدرضا کیخا فرزانه

استاد مشاور:

دکتر محمود عباسی

تحقیق و نگارش:

محدثه دلارام نژاد

مهر ۱۳۹۲

بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان مقایسه مفهوم تساهل و تسامح در دیوان حافظ و مثنوی معنوی مولانا . قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد ادبیات . توسط دانشجو محدثه دلارام نژاد با راهنمایی استاد پایان نامه دکتر احمد رضا کیخا فرزانه تهیه شده است . استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

(نام و امضاء دانشجو)

محدثه دلارام نژاد

این پایان نامه واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ توسط هیئت داوران بررسی و درجه به آن تعلق گرفت.

نام و نام خانوادگی	امضاء	تاریخ
استاد راهنما:	دکتر احمد رضا کیخا فرزانه	
استاد مشاور:	دکتر محمود عباسی	
داور ۱:	دکتر محمدامیر مشهدی	
داور ۲:	دکتر عبدالعلی اویسی کهخا	
نماینده تحصیلات تکمیلی:	دکتر عباسعلی آذرنیوشه	



تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب محدثه دلارام نژاد تعهد می کنم که مطالب مندرج در این پایان نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو:

محدثه دلارام نژاد

امضاء

تقدیم به:

بانوی دو عالم حضرت فاطمه الزهرا سلام... علیها

پدر شهید سرافرازم

مادر مهربان و صبورم که:

به زیر دست های او جوان شدیم

او به پای ما نشست و پیر شد

و

برادر مهربانم محمدقائم که همیشه پشتیبانم می باشد

سپاسگزاری

اکنون که این امکان فراهم شد تا نوشتار حاضر به سرانجام رسد ضمن اعتراف به ناتوانی خویش و کاستی های موجود در پایان نامه بر خویش لازم می دانم از تمامی استادان گرانقدر خود که از راهنمایی آنان بهره برده ام به ویژه از استادان بزرگوار و گرامی ام جناب آقای دکتر کیخا فرزانه که رهنمودهای ارزشمندشان روشنی بخش راهم بود و از استاد ارجمندم جناب آقای دکتر عباسی به خاطر همکاری صمیمانه و مشاوره های راهگشایشان ، متواضعانه سپاسگزاری می نمایم

در پایان از خداوند متعال برای تمامی سروران و اساتید ارجمند که اینجانب را مشمول لطف و اکرام پدرا نه خویش نمودند طلب توفیق رو افزون و طول عمر با عزت می نمایم.

چکیده:

تاثیر فرهنگی اجتماعی مقوله تساهل و تسامح همواره در طول تاریخ و در همه عرصه ها از مباحث مهمی بوده است که توسط مصلحان و خرد ورزان جامعه مورد توجه بوده است.

حافظ و مولانا که جز مصلحان جامعه ی خویش محسوب می شده اند خود را فارغ از این ماجرا نمی دیدند و سعی می کرده اند در اوضاع آشفته عصر شان مردم را به داشتن خصلت های همچون رفق، مدارا، دوستی، صلح، آزادگی، اخلاق نیکو، صبر، حزم، تحمل بلایا، و ... ترغیب کنند و در مقابل از صفاتی چون حرص، تکبر، غرور، تعصب و.... بر حذر دارند و چگونگی زیست مسالمت آمیز در کنار همراهشان را به آن ها یادآوری کنند.

در این پژوهش، ابتدا توضیحاتی در مورد ادبیات عرفانی بیان شده، سپس معنی لغوی و اصطلاحی تساهل و تسامح مورد بررسی قرار گرفته است. برای درک بهتر موضوع و آشنایی با عصر حافظ و مولانا، توضیح مختصری در این باب بیان شده است و سپس شواهد مثال در این باب از دو اثر مثنوی معنوی و دیوان حافظ انتخاب و ذکر شده و در پایان به مقایسه آن دو پرداخته شده است.

کلمات کلیدی: حافظ - مولانا - عرفان - تساهل و تسامح

فهرست مطالب

..... ۱		فصل اول
..... ۱		کلیات
..... ۲		۱-۱ مقدمه
..... ۲		۲-۱ اطلاعات پالمن نامه:
..... ۳		سوال های طرح شده در تحقیق:
..... ۳		۳-۱ مرور بر پیشینه تحقیق
..... ۳		۴-۱ فرضیه ها
..... ۳		۵-۱ هدف ها
..... ۳		چه کاربردهایی از انجام این تحقیق متصور است؟
..... ۳		استفاده کنندگان از نتایج پالمن نامه
..... ۴		نوآوری طرح در چیست؟
..... ۴		۶-۱ روش تحقیق
..... ۵		فصل دوم
..... ۵		ادبیت عرفاری و اصول
..... ۵		مکتب های عرفاری
..... ۶		۱-۲ عرفان در لغت
..... ۶		۲-۲ اهمیت عرفان
..... ۶		۳-۲ ویژگی های عمده مکتب عرفان
..... ۷		۴-۲ تصوف شاعرانه
..... ۹		۵-۲ صوفیان اهل ذوق
..... ۹		۶-۲ نتایج سودمند و برجسته تصوف
..... ۱۱		فصل سوم
..... ۱۱		تساهل و تسامح در دیوان حافظ و مثنوی معنوی مولانا
..... ۱۲		۱-۳ تعاریف
..... ۱۲		۱-۱-۳ معنی لغوی تساهل و تسامح
..... ۱۲		۲-۱-۳ معنی اصطلاحی تساهل و تسامح
..... ۱۴		۳-۱-۳ تفاوت مفهوم تولرانس و تساهل و تسامح
..... ۱۴		۴-۱-۳ پیشینه تساهل و تسامح در غرب

.....۱۵.....	۵-۱-۳ تساهل و تسامح از منظر اسلام
.....۱۶.....	۶-۱-۳ تساهل و تسامح در قرآن
.....۱۷.....	۲-۳ جرگن های فکری عصر حافظ
.....۱۹.....	جرگن های فکری عصر مولانا
.....۲۱.....	۳-۳ تساهل و تسامح در مثنوی معنوی
.....۲۱.....	۱-۳-۳ تساهل در حوزه الهی
.....۲۲.....	۲-۳-۳ سبقت رحمت خداوند بر غضب او
.....۲۸.....	۳-۳-۳ قدرت و حاکمیت خداوند
.....۲۹.....	۴-۳-۳ ربوبیت خداوند
.....۳:.....	۴-۳ تساهل و تسامح در مثنوی معنوی در حوزه اجتماعی و اخلاقی
.....۳:.....	۱-۴-۳ مباحث اخلاقی و اجتماعی
.....۳:.....	۲-۴-۳ ادب
.....۳۳.....	۳-۴-۳ تواضع
.....۳۵.....	۴-۴-۳ تکبر
.....۳۸.....	۶-۴-۳ مدارا
.....۳۸.....	۱-۶-۴-۳ لزوم مدارا با خویشتن داری با انسان های نا اهل
.....۴:.....	۷-۴-۳ عیب جویی
.....۴۱.....	۸-۴-۳ خزم و تأری
.....۴۲.....	۹-۴-۳ روش درمان صفات زشت
.....۴۲.....	۱۰-۴-۳ صبر
.....۴۶.....	مولانا از زبان لقمان صبر را به زکایی بطن می کند
.....۴۶.....	۱۲-۴-۳ حرص
.....۵:.....	۱۳-۴-۳ تساهل نسبت به زنان
.....۵۲.....	۱۴-۴-۳ وحدت وجود
.....۵۶.....	۵-۳ تساهل و تسامح در دیوان حافظ
.....۵۶.....	۱-۵-۳ تساهل و تسامح در حوزه الهی
.....۵۶.....	۲-۵-۳ سبقت لطف و رحمت خدا
.....۵۸.....	۳-۵-۳ رحمت عامه خدا
.....۶۰.....	۴-۵-۳ خلق کریم
.....۶:.....	۵-۵-۳ عفو و رحمت خدا
.....۶۳.....	۶-۳ تساهل و تسامح در دیوان حافظ در حوزه اجتماعی
.....۶۳.....	۱-۶-۳ مدارا در حقوق اجتماعی

..... ۶۳	فرهنگی- اجتماعی
..... ۶۴	اجتماع
..... ۶۵	۳-۶-۲ آزادگی
..... ۶۶	۳-۶-۳ حافظ و دعوت به عیش در سخن با زاهدان عبوس
..... ۶۶	ترک شکایت
..... ۶۷	۳-۶-۴ تحمل درد و رنج ها
..... ۶۷	۳-۶-۵ ترک تعلق
..... ۶۸	۳-۶-۶ تصفیع درون
..... ۷۱	۳-۶-۷ حجاب (حجاب خود)
..... ۷۳	۳-۶-۸ حسن خلق (خوشخوئی)
..... ۷۷	۳-۶-۱۰ اهمیت صلح
..... ۸۱	۳-۶-۱۱ صدق و اخلاص
..... ۸۵	۳-۶-۱۳ تسلیم و رضا
..... ۸۷	۳-۷-۷ مقایسه تساهل و تسامح در دیوان حافظ و مثنوی معنوی مولانا
..... ۸۷	۳-۷-۱ مثنوی معنوی و دیوان حافظ
..... ۸۷	۳-۷-۲ طرز بیان مولوی و حافظ
..... ۸۸	۳-۷-۳ حافظ رند و مولوی
..... ۸۹	۳-۸-۴ آزاد اندیشی حافظ و مولانا
..... ۸۹	۳-۸-۵ ایمان حافظ و مولانا
..... ۹۰	۳-۸-۶ شریعت حافظ و مولانا
..... ۹۱	۳-۸-۷ باده حافظ و باده مولانا
..... ۹۳	فصل چهارم
..... ۹۳	گفته های پژوهش
..... ۹۴	۴-۱-۱ گفته های پژوهش
..... ۹۴	۴-۲ نتیجه:
..... ۹۵	فهرست منابع و مآخذ

فهرست علائم

نشانه	علامت
بیت	ب
غزل	غ

فصل اول

کلیات

۱-۱ مقدمه

شمس الدین محمد حافظ بزرگ ترین غزل سرای عرفانی ایران یکی از نوابغ بزرگوار عالم انسانی است که در آغاز سده هشتم در شیراز پا به عرصه وجود نهاد. غزل حافظ مظهر لطیفترین اندیشه های عرفانی است که در کالبد کلمات روان و شیوا با حسن تالیف و مراعات اسرار فصاحت و بلاغت جلوه خاص یافته است و این گوینده توانا در شیوه غزلسرائی عرفانی از همه معاصران و پیشینیان گوی پیشی ربوده و سبک عراقی را در غزل سرودن به اوج کمال رسانده است. (حافظ، ۱۳۸۸: ۲۷)

حافظ در مسیر ملکوت و عرفان و توحید، به حد اعلائی کمال رسید، وارستگی او و آزادیش از قید تعلقات مادی و ظواهر زندگی جهانی، در شعرش جلوه گر است. او به ظواهر تصوف، ابدا اعتنا ندارد و خانقاه نشین و خرقة پوش ظاهری نیست و صوفیان خام طمع و ظاهر بین را انکار می کند (سجادی: ۱۳۸۷: ۱۹۸)

مثنوی عظیم مولانا جلال الدین که در واقع حاصل تمام معارف و تجارب الهی دانته و تجارب صوفیه اسلامی است تنها از حیث کمیت نزدیک دو برابر کمدی الهی دانته و یا به اندازه مجموع دو منظمه ایلیداد و اودیسه یونانی است اما از حیث کیفیت چنان اوج و عظمت روحانی را ارائه میکند که در تمام قله های بزرگ شعر انسانی جلوه و شکوه دسترس ناپذیر و خیره کننده دارد. (زرین کوب، ۱۳۷۷: ۱۷۳)

تساهل و تسامح، هر دو از مصدر تفاعل هستند و به معنی، نرمی سهل و آسان گرفتن، گذشت، جوانمردی کردن است و در اصطلاح به معنی مدارا کردن و آسان گیری و همزیستی مسالمت آمیز است در این پروژه تساهل به دو دسته تقسیم شده است.

الف) تساهل در حوزه الهی: که به بررسی روابط مدارا جویانه و سهل گیرانه خداوند نسبت به بندگان می پردازد
ب) تساهل در حوزه اخلاقی و اجتماعی: به بررسی آن دسته از رفتارهای اخلاقی و اجتماعی که سبب می شود افراد جامعه انسانی بدون تنش و درگیری در کنار هم روزگار را بگذرانند، پرداخته شده است.
روش و اصول کار در این پژوهش ابتدا معرفی اجمالی از عرفان و برخی مقوله های مربوط به آن می شود، سپس بررسی واژه "تساهل و تسامح" از لحاظ لغوی و اصطلاحی و پیشینه ی آن در غرب و اسلام مطرح می شود در ادامه این دو واژه در مثنوی معنوی مولانا و دیوان حافظ مورد بررسی قرار می گیرد و در انتها به مقایسه نتایج به دست آمده می پردازد.

۱-۲ اطلاعات پایان نامه:

آنچه در این رساله بیشتر مطرح نظر بوده مقایسه مفهوم تساهل و تسامح در دیوان حافظ و مثنوی مولانا بوده است در ابتدا با توضیح و مفهوم تساهل و تسامح و حقیقت آن در طول تاریخ. این مفهوم را واضح و سپس اندیشه تساهل و تسامح را در اشعار این دو شاعر بزرگوار مورد بررسی قرار داده و به مقایسه ی این دو پرداخته میشود.

سوال های طرح شده در تحقیق:

۱- آیا حافظ و مولانا در اشعار خود از مفهوم تساهل و تسامح استفاده کرده اند؟

۲- عوامل سیاسی اجتماعی وایدئولوژیکی دوره حافظ و مولانا چه تاثیری و تساهل و تسامح آنان داشته است؟

۳-۱ مرور بر پیشینه تحقیق

با آنکه در موضوع تصوف اسلامی و ایرانی منابع و مآخذ و مقالات فراوانی وجود دارد و تلاش زیادی در این زمینه به فرجام رسیده است اما متأسفانه آن چنان که باید به این مبحث یعنی تساهل و تسامح در ادبیات عرفانی بطور اخص پرداخته نشده و فقط اشارتی بدان رفته است

۴-۱ فرضیه ها

۱- سهل و آسان گرفتن بر یکدیگر نرمی در رفتار و گفتار و هم زیستی مسالمت آمیز با سایر ادیان در دیوان حافظ و مولانا نمود آشکاری دارد.

۲- حافظ و مولانا به وسیله ی تساهل و تسامح گویی به مبارزه ای غیر مستقیم و هنرمندانه علیه حاکمیت اندیشه های متعصبان و زاهدان ظاهر نما پرداخته اند.

۵-۱ هدف ها

۱- شناخت حافظ و مولانا به عنوان شخصیت هایی با اندیشه تساهل و تسامح.

۲- پذیرش اندیشه تساهل و تسامح گویی به عنوان یک جریان مداوم و مستمر و تاثیر گذار در طول حیات تصوف و عرفان اسلامی

چه کاربردهایی از انجام این تحقیق متصور است؟

این تحقیق سعی دارد که اندیشه های عرفانی حافظ و مولانا را از جهت تساهل و تسامح با ارائه ی مستندات که از دیوانشان به یک شیوه ی موثر انتخاب شده به داوری و مقایسه آن پردازد و همچنین تساهل و تسامح گویی را به عنوان روشی برای مبارزه با افکار متعصب جامعه نشان دهد.

استفاده کنندگان از نتایج پایان نامه

پژوهشگران محققان، علاقه مندان به عرفان و آثار حافظ و مولانا، دانشجویان دوره ی کارشناسی و کارشناسی ارشد ادبیات

نوآوری طرح در چیست؟

تحقیق حاضر تلاشی است برای ارائه ی تصویری از اندیشه های مولانا و حافظ که سعی دارند با تساهل و تسامح گوی انسان مصیبت زده را به دنیای برتر فرا بخواند و در هجوم تعصبات سیاسی و اجتماعی منش حقیقی انسان را به او نشان دهد. در این تحقیق تلاش شده است تا از گرد آوری صرف دور شده و با نگاه جدید این مساله مورد بررسی قرار بگیرد.

۱-۶ روش تحقیق

در این تحقیق از روش توصیفی کتابخانه ای استفاده شده است. بدین صورت که بعد از تهیه ی طرح تحقیق، کار مطالعه آغاز شده و در ادامه اطلاعات مورد نیاز تکمیل و موضوعات دسته بندی شده اند. سپس اطلاعات جمع آوری شده در فصل های مربوط و زیرشاخه های آن، به نگارش در آمده و طبقه بندی شده و یادداشت ها همراه با سند و مآخذ کنار هم قرار گرفته و نتایج ذکر گردیده است.

فصل دوم

ادبیات عرفانی و اصول مکتب های عرفانی

۲-۱ عرفان در لغت

عرفان در لغت به معنی شناخت و آگاهی و در اصطلاح «نام یکی از علوم الهی است که موضوع آن شناخت حق و اسماء و صفات اوست. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۳۵۹۲)

باین تعریف موضوع و محور اصلی عرفان، انسان و خودسازی و خویشن شناسی اوست زیرا تا انسان خود را نشناسد، به هدف نهایی که شناخت حق است هرگز نخواهد رسید و به همین منظور علما و عرفا بر اساس «من عرف نفسه فقد عرف ربه» خویشن شناسی را مقدمه خداشناسی دانسته و بر رابطه دوگانه بین «انسان» و «خدا» تأکید ورزیده اند. همچنین عرفان عامل درون سازی و پاک سازی باطن انسان است و بالاخره «هدف اساسی عرفان، نوسازی انسان و معیار بخشی به وی، در تنظیم رابطه های خود با خویشن و با دیگران است» بنابراین با یک تعبیر ساده می توان عرفان را عامل مهم مبارزه با نفس و خواهش های نفسانی فرد دانست و با خویشن داری و زهد آن را معنا داد. در همین راستا است که عارف می کوشد تا با آگاهی و از راه دل و تصفیه درون یعنی با دو بال علم و عرفان علم خلافت الهی را به دست گرفته و سعادت ابدی را نصیب خود گرداند و از دریای بی کران هستی «هم به قدر تشنگی» جرعه ای را به کام خود درکشد (حلبی، ۱۳۸۷: ۵۸).

۲-۲ اهمیت عرفان

اهمیت عرفان در زندگی فردی و تاثیرات آن بر رفتارهای اجتماعی می تواند در ارجمندی آن نقش بزرگی داشته باشد، عرفان برای اشخاص عامل تعالی روحی و خرسندی و ابتهاج خاطر است و در جامعه موجب صلح و صفا و همدلی و سازش می شود. (یثربی، ۱۳۷۷: ۱۵۱)

تصوف که از مشرب ذوق و الهام سرچشمه می گیرد، البته با شعر و شاعری که نیز از همین لطیفه ی نهانی برمی خیزد مناسبت تمام دارد، اما با این همه، صوفیه که در آغاز اهل زهد و پرهیز بوده اند، به همان نسبت در اوایل، چندان رغبتی به شعر و شاعری نشان نمی دادند. درست است که اشعاری به بعضی از قدماء صوفیه مثل ذالنون مصری و یحیی بن معاذ رازی و دیگران نسبت داده اند اما اینگونه اشعار از زبان و روایت صوفیان (که چندان قابل استناد نیست) به ما رسیده و از طرفی چندان در بردارنده ی حکمت و فکر صوفیه نیست. صوفیه معتدل هم حتی در آغاز، اظهار علاقه به شعر نمی کردند و حتی از خواندن قرآن به الحان و شنیدن اشعار کرامت داشتند». (زرین کوب، ۱۳۷۳؛ ۱۴۰)

۲-۳ ویژگی های عمده مکتب عرفان

عرفان یک مسلک و مکتب خاصی است که با تمام جلوه های گوناگون تفاوت هایی که میان شعبه های آن مشاهده می شود، دارای خصوصیات چند است که می توان آنها را از ویژگی های این مکتب به شمار آورد:

الف: در این مکتب تنها بر علم تکیه نمی شود، بلکه عمل اصل و اساس کار است، و علم خود نتیجه و محصول عمل است. یعنی برای رسیدن به آگاهی عرفانی باید مراحل را پشت سر نهاد و به سیر و سلوک پرداخت.

ب: اعتقاد به حقیقت جهان خارج و مدت واقعی این حقیقت و اینکه حقیقت، ظاهری دارد و مظاهری - که کثرت در این ظاهر و مظاهر است - و نیز باطنی دارد که در آن، حقیقت محض با وحدت کامل خود از هرگونه تفرقه و کثرتی منزله است.

ج : اعتقاد به اصالت ارتباط حضوری و شهودی میان انسان و حقیقت، درعین قبول علم‌های حصولی و ارتسامی.

د : باور و اعتقاد به یک حقیقت واحد و عینی که هدف هرعارف، وصول به آن و اتحاد و فنای در آن است.

ه : رابطه ممتاز انسان با حقیقت کلی جهان و امکان «وصول» و «اتحاد» و «فنا» وی در آن حقیقت و «بقایش» با آن.

و : اعتقاد به ریاضت و مجاهده.

ز : تکیه بر مساله عشق به عنوان یک عنصر اصلی و اساسی در حیات عارف (یثربی، ۱۳۷۷: ۶۳-۳۳)

۲-۴ تصوف شاعرانه

تصوف شاعرانه‌ی که عرفان نامیده می‌شود نخست از هرات و طوس و غزنین برخاست و سپس دایره‌ی نفوذ آن به قلمرو اشعار عرفانی در ادبیات فارسی از میانه سده چهارم به ظهور پیوست. عنوان خاص صوفی و تصوف نخست از قرن دوم هجری در فرهنگ اسلامی پدیدار گردیده و نخستین کسی که به صوفی مقلب گردید ابوحاشم صوفی (ف: ۱۵۰ه ق) بوده است. (حسینی، ۱۳۸۵: ۷)

تمامی امپراطور ی بسیار پهناور ادبیات و زبان فارسی از مرزهای چین تا آنسوی آناتونی در امپراطوری عثمانی واز قفقاز و آذربایجان تا بخش عمده‌ی شبه قاره هند کشید این مکتب عرفان ذوقی جمال پرست نخست در سخنان شاعرانه‌ی بایزید و بوسعید و شیخ خرقانی سپس و در نثر شاعرانه‌ی خواجه عبدالله انصاری و احمد غزالی و میبیدی و نیز شاعرانی که جز رد پای از ایشان به جا نمانده پایه گذاری شد و سرانجام در شعر سنایی و عطار و مولوی به کمال نظری و شاعرانه خود رسید. (آشوری، ۱۳۸۵: ۱۸۰)

آیین تصوف از قرن سوم هجری رو به کمال نهاد و از سادگی و بی پیرایگی و بی اعتنایی به دنیا بیرون آمد. شعر شاعران این عهد در بردارنده عشق و مزیت ایثار و خدمت به خلق و دیگر خصوصیات عاطفی بشر دوستانه بوده در این زمینه برخی از صوفیان و عارفان همچون جنید بغدادی، روش اعتدال را در مسائل سیرو سلوک در پیش گرفته اند. احکام تصوف در این قرن همین است که جنبه علمی و نظری تصوف بر جنبه علمی آن برقرای پیدا کرد. (حسینی، ۱۳۸۵: ۷)

تصوف هر چند بیشتر نتیجه یک خاصیت درونی عام انسان که در جوامع مختلف به صورت های متنوع - اما با اصولی تقریباً هم سان از درون و نهاد انسان هایی سر چشمه گرفته که احیاناً کوچکترین تماس و تاثیر و اثری در بینشان نبوده، با این حال در هر جامعه ای، با عقاید و آداب و رسوم آن جامعه نوعی توافق و سازش یافته و به شکل و شیوه خاصی جلوه گرفته است. (یثربی، ۱۳۷۷: ۱۳)

تصوف را نمی توان مذهب منظم دارای حدود معینی دانست و فرقه خاصی در بین فرق اسلامی محسوب داشت و نیز مقصود آن ها این است که جمع آوری معتقد است صوفیه به شکل اصول مسلمه قابل ترویجی و دشوار است. خود صوفیه هم، غالباً خود را رند و لا ابالی نامیده می گیرند ما به تعصب و فرقه بازی زده ایم واز قیل و قال مدرسه و جنگ ه فتاد و دو ملت بر کناریم. سخت گیری و تعصب خاصی است و خامی نشانه کفر، تصوف حال است نه قال به گفته خواجه حافظ:

بشوی اوراق اگـر همدرس مـائی کـه درس عشق در دفتر نباشـد.

(غنی، ۱۳۸۸: ۱۳)

اسلام دین حقیقت بین معتدلی است که پیروان خود را به میانه روی و اعتدال توصیه می کند یعنی دستور می دهد که مسلمانان به نعمای دنیا به حد اعتدال مغتنم شوند ولی آخرت را هم فراموش نکنند. (غنی، ۱۳۸۸: ۲۱)

مدارای با عقاید و مذاهب مختلف و عدم اهمیت به صورت و ظاهر و بر عکس اهمیت دادن به روح و معنای شرع و حقیقت و باطن دیانت که از مسایل مهمه تصوف و عرفان می باشد. (غنی، ۱۳۸۸: ۲۴)

حضرت صادق (ع) درباره عارف و عرفان و معرفت می فرماید: عارف از لحاظ تشخیص ظاهری و بدن با مردم است ولی قلب او همیشه با خداست و هرگاه قلب او از خداوند متعال یک آنی غفلت کند هر آینه می میرد از جهت اشتیاق پیدا کردن سوی او... و مونسی برای او جز پروردگار متعال نیست و نطق و اشاره و نفس کشیدن او به سبب او برای او و از او و با او می باشد. (همتی، ۱۳۶۲: ۳۹)

عارف به تجسس و کسب خبر اهتمام نمی ورزد، با مشاهده امر منکر و ناگوار خشمگین نمی شود بلکه برعکس عفو و بخشش می کند زیرا به اسرار الهی و سرنوشت آشنا و بیناست چون خواهد که امر به معروف کند به ملامت و نرمی نصیحت و پند گوید نه همچون کسانی که به درشتی و شدت و ملامت و سرزنش می پردازند و اگر انجام امری به نظر عارف با ارزش آید با نعمت و مسرت بدان اقدام می کند و مقصودش از انجام آن امر، امور دنیوی نیست و به آن سبب به کار خیر همت می گمارد تا مبدا به آن عمل، نااهل و ناآشنادست یازد. (همتی، ۱۳۶۲: ۲۹)

درباره بشر حافی حکایت است که در یک روز بسیار سرد لخت شد و بر خود می لرزید به او گفتیم: ای ابو نصر این چه حالی است؟ گفت به یاد فقرا افتادم که چیزی ندارند و من هم چیزی ندارم که بدان با آنان مواسات کنم پس دوست داشتم که بانفسم با آنان مواسات کنم. (سراج، ۱۳۸۸: ۲۰۹)

۲-۵ صوفیان اهل ذوق

صوفیان اهل ذوق هرچه ایمانشان ذوقی تروشورآمیز تر شد بیشتر در دامان شعر آویختند و شاعر تر شدند و هرچه شاعر تر شدند بیش تر با زاهد و منطق زهد از در ستیز در آمدند و به رندی و منطق رندی گرویدند خوانش صوفیانه ی قرآن باذوق شاعرانه در بستر زبان فارسی در خراسان بزرگ از قرن سوم صوفیان شاعر مشرب خوش ذوقی همچون بایزید و بوسعید و خواجه عبدالله انصاری و احمد غزالی و رشیدالدین میبدی را پدید آورد که فرهنگ عرفان ذوقی را پرورش دادند و پایه های ساده ی نظری آن را ریختند این فرهنگ در طول دو قرن پس از آن با عطار و مولوی و سعدی و ده ها شاعر بزرگ و کوچک تا حافظ سیر کمال شاعرانه ی خود را پیمود و ادبیاتی کلان و پربار در زبان فارسی بر جای گذاشت. (آشوری، ۱۳۸۵: ۱۷۰)

۲-۶ نتایج سودمند و برجسته تصوف

نتایج سودمند و برجسته تصوف از این قرار است:

تعدیل مذاهب و جلوگیری از تعصب: شاید بزرگترین خدمت صوفیان به عالم اسلام و همه مردمی که در حوزه اسلام می زیستند این باشد که به نحوی از اتحاد از سخت گیری ارباب دیانت نسبت به مردم اقلیت و پیروان سایر ادیان جلوگیری کرده اند. به قول نیلکسون در همه مردمی که مسلمان اند و با پیروان سایر ادیان و مذاهب به مدارا و تسامح و گذشت و مهربانی می زنند صوفی اند؛ اگر چه خود را صوفی رسمی ندانسته اند و ارباب ترجمه تذکره نویسان آنان را جزو صوفیا ن یا تذکره باشند. (حلبی، ۱۳۸۶: ۳۴)

راه صوفی راه وسیع و پهناور و طریقت او طریقت عظیمی است که از هر سوی آن طریقت، راهی به خدا توان یافت. ابوسعید ابی الخیر (وفات ۴۴۰هـ) می گفت و... به عدد هر ذره موجودات راهی است به حق از این رو، راه وصول به روی هیچکس بسته نیست و پیروان برخی ادیان که راه وصول به حق را تنها از دین و آیین خود ممکن می دانند در اشتباهند. (حلبی، ۱۳۸۶: ۳۴)

احترام به انسان و انسانیت: عارفان و صوفیان بیش از همه چیز به آدمی بودن و انسانیت توجه داشتند. یعنی: هدف آنان آدمی بودن و انسان شدن خود، و امکاناً انسان کردن و آدمی ساختن دیگران بود. می گفتند: دین هم برای این آمده است که این جنس دو پا را خوشخو تر و نرم تر بکند. (حلبی، ۱۳۸۶: ۳۴)

این نکته را ابن سینا خوب در یافته آن جا که می گویند: عارف همیشه گشاده روی و خندان باشد از فروتنی، فرومایه را چنان بزرگ می دارد که بزرگوار، گرانمایه را و انبساط و شادمانی او را با گمنام ناشناس همچنان باشد که با نامدار بزرگ و شناخته و چگونه شاد نباشد؟ در حالی که او به خدا و به همه چیزها خدا را می بیند و او چرا همه را یکسان و برابر نداند؟ در حالی که همه نزد وی برابرند از آن جهت که همه اهل رحمت اند و به لبلل مشغول،... (حلبی، ۱۳۸۶: ۳۵)

انتخاب و گزینش هر اندیشه و کار نیک از هر کس: صوفیان معتقدند که در عالم هیچ مخلوقی و هیچ اندیشه و فکری و هیچ نکته‌یی از خرد و کلان و پیر و جوان نیست که به کاری نیاید و دردی را درمان نباشد. صوفی خوش بین است و از این جهت می‌گوید: هیچ چیز بیهوده در عالم نیست چه از بزرگ‌ترین تا کوچکترین اشیا همه نشانه‌هایی از وحدت وجود

است. (حلی، ۱۳۸۶: ۳۱۸)

از آنجا که روح تصوف آزادی و آسان‌گیری و گذشت است با انسانیت پیش از دین‌داری و سخت‌گیری دمساز است و در پیش هر کس قسمتی از حقیقت را سراغ می‌دهد . و فکر ، نظر، عقیده و مسلک تمام و بی‌عیب را ویژه خود نمی‌داند.

(حلی، ۱۳۸۶: ۲۱)